

Shiraz-Beethoven.ir

فهرست

۱	ش درآمد
۲۵	- نگاهی به تاریخ موسیقی اویغوران چین
۴۲	- غزل روح مقام، سروده‌ی سیفالدین عزیزی، موسیقی‌دان و مقام شناس اویغور
۴۳	- مقام و موسیقی ایرانی در میان اویغوران
۴۷	ف: موسیقی مذهبی
۴۷	ن: تکنوازی، گروه نوازی و ترانه‌خوانی، موسیقی رقص، برخی رقصهای اویغوری
۵۷	- سازهای ایرانی در شین‌جیان چین
۶۳	- خوشتار، ساز کهن ایرانی
۶۹	- رواج سازهای ایرانی در میان چینیان
۷۵	۱- واژه‌ها و اصطلاحات موسیقی ایرانی در شین‌جیان چین
۷۹	- تصویرها
۱۱۱	- کتاب‌نامه
۱۱۵	۱- آثار نویسنده

خوردن و امروز بخشی از سرزمین امروزی کشور چین به شمار می‌آیند. در حالی که همه فرهنگ ایرانی دارند و در دراز نای تاریخ، فارسی زبان بوده‌اند که هنوز نه تنها نام بسیاری از این شهرها فارسی است که بسیاری از روستاهای دهکده‌ها و نطقه‌های آن سامان هم چنان نام فارسی دارند.^{۱۱}

شگفتی نیست اگر سازهای ایرانی، سازهای رایج شین‌جیان هستند و با نمین نامهای فارسی و شگفتی نیست اگر موسیقی مقامی اویغور هم بخشی جدا نانده از موسیقی ملی و تاریخی ایران است. شگفتی نیست اگر نام بسیاری از مقام‌های موسیقی اویغوری هم چنان فارسی است مانند مقام نوا، مقام چهارگاه، مقام پنج‌گاه و مقام‌های کوچکتری هم چون مقام آب و چشمه، مقام دوران، مقام شاق، مقام نوروز و

آن چه که موسیقی اویغوری نامیده می‌شود، هنریست که از دیرباز از ایران میان اویغوران رفته و به مرور زمان گویش یا لهجه اویغوری به خود گرفته است. هم چون موسیقی عربی که برگرفته از موسیقی ایرانی است اما با لهجه عربی و موسیقی جمهوری‌های آذربایجان (اران)، قفقاز، گرجستان، ارمنستان و می‌باشد. هم چون موسیقی ایرانی دارند، اما با لهجه آذری، ارمنی و ... و موسیقی ترکیه، افغانستان، تاجیکستان و حتی هند و کردستان واقع در قلمرو عراق، ترکیه و سوریه همه پایه ایرانی دارند که به مرور زمان و در درازنای تاریخ، رنگ و طرز و لهجه ویژه آن سامان را پذیرفته‌اند و نکته مهمتر آن که، این موسیقی‌ها نیز برخشنده و تأثیر لهجه‌های آن سرزمین‌ها^{۱۲} رفته و حالت و ویژگی‌های زبانهای این نوام را که همه ایرانی تبار هستند به خود گرفته‌اند یعنی که موسیقی و زبان این نوام یک حالت و شیوه را دارند که جای پژوهش ویژه را دارد، و عربان نیز از

- ۱- به جز شهرها، روستاهای منطقه هایی هم چون بستان باغ، کاربز محله، آباد باغ، آستانه، جمسر، زرافشان، فیض آباد، ماسانگر، چله مزار، نوروزقم، یکشنبه بازار و ... همه نام فارسی دارند و کوههایی همچون کوه افراصیاب، کوه بدخشان یا رده بدخشان و رودهایی هم چون رود زرافشان و یارکند و ...

- ۲- این نگره را نخستین بار استاد غلامرضا دادبه - که روان مینویش شاد باد - استاد بزرگ و فرهنگ‌شناس معاصر که ن تیز افتخار تلمذ در محضر ایشان را داشته‌انم عنوان فرمودند و پس، به گونه‌ای دیگر استاد شجریان خوانده و موسیقی‌دان ارجمند در نوشتاری به آن پرداختند و سپس استاد محمدرضا لطفی موسیقی‌دان گرامی نیز عنوان کرده‌اند که موسیقی هر قوم یا ملت زیر تأثیر اوای از زبان، حالت ویژه آن زبان را به خود می‌گیرد. (گفتارهای استاد لطفی، رادیو هنگ، نقل به مضمون)

"داشته است"^{۳۸} اما آن چه که این نویسنده درباره‌ی پیشرفت‌های موسیقی میان طایفه‌های اویغور می‌نگارد، در برگیرنده نکته‌هایی است که به آسانی توان از آن گذشت و آن، این که "... خصوصیات و انواع مقامها در آهنگها ... و قصها و آوازهای اویغوری ... را می‌توانیم از آثار ادبی کتبی که از آن زمان به مانده (مثل آواز تورپان)، نقش‌های دیوارهای غارها، سازها و ترانه‌های محلی و لسی دریابیم!!"^{۳۹}

نکته‌ای را که نویسنده کتاب در این جا به آن اشاره کرده است "آثار ادبی، نقش‌های دیوارهای غارها، سازها و ترانه‌هایی از آن زمانها" یعنی دوره خ پیش از اسلام طوایف اویغور است که در تحلیل و واکاوی نوشه‌های ایشان بنگارم که در زمانی که مانی پیامبر ایرانی، انگیخته شد، آیینی آورد که دش بر پایه‌ی مهر پرستی یا میترائیسم کهن ایران و آشتی دادن دینهای آن زمان بود، اما در ایران با بی‌مهری حکومت و برخی پیشوایان دین غالب رو شد و بدان گونه‌ی نا انسانی و به فرمان پیشوایان مرتاجع و فرمان روایان کامه کشته شد و بسیاری از پیروانش به نقاط گوناگون جهان، از جمله چین و تورپان (تورفان) که آن زمان مرز ایران و چین بود رفتند و آیین او را در پراکنند و به همراه دین مانی، هنر، پزشکی، موسیقی، ستاره شناسی، و اری از دانشها و هنرها و فرهنگ ایرانی به دورترین نقاط جهان، از جمله چین، ملک ختا و ختن (جمهوری چین امروزی) رفت به طور کلی تعالیم دین نیز همیشه با ساز و آواز خوش همراه بوده و سمع از لوازم محافل مذهبی بیان به شمار می‌رفته است و مذهب مانی در آسیای صغیر و مصر و شمال آسیا و جنوب فرانسه اشاعه یافت و هم چنین در شمال و مشرق ایران، و نیز دین در آسیای صغیر مرکزی و ترکستان شرقی و آن طرف رود سیحون بارکامل پیدا کرد، تا در قرن دوم هجری ترکان اویغور بر آن نواحی دست و آیین مانی را پذیرفتند که از راه این مذهب، نقاشی و ساز و آواز و به طور

تگارنده دو بار در تورپان و ختن به دیدار از این اصولها فراخوانده شدم که
وران برپا داشته بودند، در ختن رقص همراه با رباب را دیدم که در پیش آمد،
تورپان محوطه اجرا و تماشای رقص - سالن تابستانی - همه در زیر شاخه های
رنهان بود، دیوارها و سقف و سن رقص را با داربستهای انگور ساخته بودند و
وران رقص های بومی خود را در زیر این انگورهای آویخته از سقف اجرا
کردند تمامی آنها لباسهایی بر تن داشتند که بر دامن پرچین حریرشان نقش
بر بود و نیم تنہ (یل) یراق دوزی و کلاههای چهار ترک ویژه اویغوری با
بهای "گل و بتہ ترمہ" بر سر، این دوشیزگان همگی موی خود را به اصطلاح
ل گیس" بافته بودند با ابرون پیوسته و طره زلفان و حلقه گیسو در کنار
نها و با کرشمه‌ها و دست افشاری هایی که در رقصهای قدیمی ایرانی دیده ایم
ستان عشق "ملک جمشید" را به دختری به نام "فرخ لقا" اجرا می‌کردند و در
ن هر بخش داستان، گوینده‌ای که به اصطلاح زبان اویغوری «دستانچی» بود
ش بعدی را توضیح می‌داد و دوباره داستان به وسیله رقص اجرا می‌شد و ادامه
یافت تا آنکه سرانجام دو دلداده به هم می‌رسیدند و رقص نیز به پایان
آمد، در اینگونه رقصها، هنرمندان مرد نیز لباسهای محلی اویغوری را با همان
تنهای یراق دوزی می‌پوشند، و همان کلاههای چهار ترک را بر سر می‌نهند.
این اصولها در رقصهای اویغوری را همان داستان‌های کهن که در ادب
یانه فارسی می‌شناسیم تشکیل می‌دهد، داستان‌های عامیانه‌ای که در ایران
بر نسل بر سر زبانها بود و از سوی مادران برای کودکان به گونه "قصه"
اخته می‌شد مانند قصه‌های قدیمی «نارنج و ترنج»، امیر ارسلان نامدار و
بن ملک جمشید و یا دختر شاه پریان و ...

اویغوران در هر شهر که هستند برای خود دست کم در کار هنر، شیوه و
کی ویژه دارند ، بدین معنی که سبک موسیقی و رقص در تورپان با
وهای که مثلا در ختن یا کاشغر اجرا می‌شود متفاوت است همه اویغوری
ت همه هم در همان مقامها اجرا می‌شود اما سبک اجرا و شیوه نواختن با